

مرد مشعل دار تاریخ دو ومیدانی

گروه تاریخ و هویت| روزنامه‌های قدیمی اسمش را با تیتُر درشت چاپ کرده‌اند. در بیشتر عکس‌های سیاه و سفید، باقی‌مانده هم‌یشه مدالی به گردن دارد. مردی که او را با عنوان پدر دو استقامت ایران و نخستین مدال‌آور تاریخ دو ومیدانی کشور می‌شناسند. مرحوم علی باغبان‌باشی اگرچه امروز سه سالی هست که رخ در نقاب خاک کشیده، یادش ماندگار است و همین موضوع سبب شد از این نام پرافتخار بگویم که دیگر بخشی از تاریخ و هویت مشهد محسوب می‌شود. سطرهای پیش‌رو بخشی از خاطرات او در خلال گفت‌وگوهایش با روزنامه شهرارادر سال‌های مختلف است.

● همه‌چیز از ترک کردن خدمت و جریمه دوره سربازی شروع شد

«بچه که بودم، توی محله پاچنار طبقه، گاهی شیطنتم می‌گرفت و کوزه‌دست بچه‌هارا می‌انداختم و پا به فرار می‌گذاشتم. دیگر هر جاکوزه شکسته‌ای بودم، می‌گفتند کار علی است. بچه پرشور و شور بودم که از قضا خوب هم می‌دوید؛ دویدن‌هایی که اعجاب‌انگیز بود، اما کسی حواستش به کشف یک استعداد ناب نبود تا اینکه آن اتفاق افتاد، اتفاقی که مسیر زندگی علی را تغییر داد. خدمت سربازی که آن روزها اجباری نامیده می‌شد، علی را مرد کرد. فرمانده شیرین‌ترین جریمه را به پسر داد که از سر دل‌تنگی خانه و خانواده، پادگان را ترک کرده بود؛ در سال ۱۳۲۴ در هنگ ۲۱ مشهد سرباز بودم. روزی بدون مرخصی از سربازخانه خارج شدم. ستوان میبدیان، فرمانده گروهان ما، تصمیم گرفت مرا تنبیه کند. پشت سربازخانه محوطه بزرگی بود که یک دور آن یک کیلومتر می‌شد. به سرگروهیان حسن‌زاده دستور داد زیر نظر او با دو سرباز خاکی دیگر دو دور در محوطه مژور بدویم.»

علی و چهار همراهش به خط شدند تا دور پادگان به مسافت هزار متر را چهار بار بدوند؛ جریمه‌ای که همراهانش را از نفس انداخت اما او از تکاپو نیفتاد، «ما سه تن با لباس و کفش سربازی شروع کردیم که دویدن. آن دو تن هنوز هزار متر ندویده بودند که مجبور شدند از محوطه خارج شوند. من دورا ادامه دادم، بعد بلافاصله خود را به فرمانده گروهان معرفی کردم.»

فرمانده چشم‌هایش را می‌مالد. کلاه از سر برمی‌دارد و دستی به سرش می‌کشد. همه منتظرند تا غرشی

و فریادش را دوباره بشنوند، اما او این بار دقیق به چهره علی خیره می‌ماند. این بار از او آرام‌تر می‌پرسد: «یعنی تو الآن چهار دور زدی؟» و علی پر صلابت‌تر از قبل و بدون آنکه نشانی از خستگی در صورتش باشد، می‌گوید: «بله قربان.» فرمانده هنگ، این بار واقعا بهت‌زده است؛ بهتی که از قضای روزگار برای علی با یک تصمیم بزرگ همراه می‌شود. فرمانده می‌گوید: «بر خودت را برای مسابقات آماده کن پسر!»

● حضور در سعدآباد، بی‌کفش و لباس ورزشی اولین و تنها مشعل‌دار بازی‌های آسیایی ۱۹۷۴ تهران بارها داستان حضورش در سعدآباد و اولین دویدن‌های رسمی‌اش را – که با جابه‌جا

برخی از مدال‌ها و عنوان‌های علی باغبان‌باشی

۱۹۵۱ میلادی ۵ هزار متر مدال طلا جایگاه نخست دهلی نو	۱۹۵۱ میلادی ۳ هزار متر مدال نقره جایگاه دوم دهلی نو	۱۹۵۸ میلادی ۵ هزار متر مدال برنز جایگاه سوم توکیو	۱۹۵۸ میلادی ۱۰ هزار متر مدال برنز جایگاه سوم توکیو
--	--	--	---

چشم‌اندازی نادر از «مسجد قتلگاه»



تجدید شد و کتیبه‌ای به خط علیرضا عباسی بر آن نصب کردند که اصل آن امروزه در خزانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. طبق گزارش اعتماد السلطنه در «مطلع الشمس»، این مسجد کتیبه دیگری هم داشت که نشان می‌داد بعد از زلزله هولناک سال ۱۰۸۴قمری و به فرمان شاه سلیمان صفوی، آن را مرمت

چهره هویتی



را که ۱۶ دقیقه و ۴۷ ثانیه و متعلق به «وکیل منفرد» بود، در ۱۶ دقیقه و ۳۷ ثانیه طی کردم. بلافاصله مرا به تهران فرستادند. بعد از ظهر روزی که به تهران رسیدم، مسابقه برگزار می‌شد و بهترین قهرمانان استقامت جمع شده بودند. هیچ‌کس مرا به حساب نمی‌آورد. در آغاز مسابقه ناراحت و از همه عقب‌تر بودم. می‌خواستم مسابقه را ترک کنم ولی خجالت می‌کشیدم. در یک لحظه متوجه شدم که فقط چهار تن از من جلو‌ترند. خوشحال شدم که پنجم می‌شوم. بدنم گرم شده بود و یک دور مانده به پایان مسابقه، فقط یک تن از من جلو‌تر بود که آن را هم در دور آخر گرفتم و اول شدم؛ ضمن اینکه هشت ثانیه رکورد ایران را بهبود بخشیدم.»

● «زاتوپک»: حالا تو قهرمان جهان هستی استاد مرحوم علی باغبان‌باشی یک خاطره معروف دیگر هم دارد؛ خاطره‌ای که بارها آن را تکرار کرده است و هر بار بغض‌آمیل زاتوپک، قهرمان جهان، در آن به بهترین شکل تصویر می‌شود. باغبان‌باشی در رقابت‌های قهرمانی جهان و در مبارزه با قهرمان افسانه‌ای دو ماراتن، آمیل زاتوپک ایتالیایی، موفق به شکستن رکورد او می‌شود. هنوز جمله زاتوپک که بارها از زبان مرحوم باغبان‌باشی بیان شده است، در گوش ورزش‌دوستان ایرانی، می‌پیچد، «حالاتو قهرمان جهان هستی»، اما فتح‌های بزرگ‌تر علی باغبان‌باشی، قهرمانی دو ۵ هزار متر بازی‌های آسیایی سال ۱۹۵۱ دهلی و نایب‌قهرمانی رقابت‌های آسیایی ۱۰ هزار متر سال ۱۹۵۸ توکیو است، جایی که اسطوره، نامش را در آسیا بر سر زبان‌ها می‌اندازد.



مقام اول علی باغبان‌باشی در یکی از مسابقات آسیایی

در دهه ۱۲۷۰ خورشیدی از مشهد تهیه و در کتاب خدش منتشر کرد. تصویر مسجدی در قبرستان قتلگاه به چشم می‌خود که به احتمال زیاد، عکس مسجد مورد بحث ماست. در ابتدا ممکن است بیننده آن را با عکس «گنبد خشتی» اشتباه بگیرد، اما با کمی دقت می‌توان دریافت که شکل گنبد بنای موجود در عکس با گنبد خشتی تفاوت‌های متعددی دارد و در ضمن، با کمی دقت، در چشم‌انداز پشت‌گنبد کوتاه‌تر در عکس، می‌توان دورنمای گنبد خشتی را مشاهده کرد. نکته دیگری که در عکس دالمانی درخور بررسی است، الگو و شکل قبرهای گورستان قتلگاه است. این قبرها با ارتفاع متوسط حدود پنجاه سانتی‌متر و از آجر ساخته می‌شدند و روی آن‌ها، فرورفتگی مختصری برای جاسازی سنگ مزار ایجاد می‌کردند. ظاهرا ارتفاع قبرها، از نظم خاصی پیروی نمی‌کرده و هر کس، به فراخور سلیقه یا ثروت خود، برای درگدشته‌اش، قبری بزرگ یا کوچک می‌ساخته است. محدوده جغرافیایی عکسی که می‌بینید، امروزه در دوربرگردان طبرسی، حدوداً ابتدای بازارچه حاج آقا جان قرار می‌گیرد.

مشهدیات

گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (قسمت صد و شصت و نهم)

نخستین فرمان مبارزه با مواد مخدر در مشهد



ترابی| موضوع مصرف مواد مخدر در جامعه ایران و اثرات سوء آن، موضوع تازه‌ای نیست و در واقع تاریخی چند صد ساله دارد. استعمال تریاک در ایران عصر صفوی معمول بود و این عادت ناپسند در ادوار بعدی نیز تداوم داشت. با وجود آگاهی حکومت‌ها از تأثیرات زیان‌بار مصرف افیون، سود حاصل از کشت و فروش آن باعث می‌شد مسئله آسیب‌های اجتماعی این ماده مخدر همیشه نادیده گرفته شود، بااین‌حال، گاه‌وبیگاه در متون تاریخی به مواردی برمی‌خوریم که در آن‌ها امرا و حتی سلاطین به این موضوع واکنش نشان داده‌اند و به صدور فرمان، یا دستور در این زمینه دست زده‌اند. نخستین فرمانی که درباره منع مصرف و در واقع مبارزه با استعمال مواد مخدر صادر شد، فرمانی بود که ناصرالدین‌شاه قاجار، روز دوشنبه، ۱۶ شوال سال ۱۳۰۰ قمری (۲۹ مرداد ۱۲۶۲ خورشیدی، بیش از ۱۴۱ سال پیش) صادر کرد. ماجرای صدور این فرمان در متن کتاب «روزنامه سفر خراسان» به قلم «میرزا قهرمان امیر لشکر» آمده است. وی که از همراهان شاه قاجار در این سفر زیارتی بود، درباره فرمان مذکور می‌نویسد: «چون در صفحات خراسان اکثر مردم از زن و مرد عادت به تدخین و استعمال تریاک کرده‌اند و این عادت اسباب هلاکت مردم شده است، اراده هما یونی اقتضا کرده که این عادت متروک شود. مقرر شده بود در این باب مذاکره بشود. حکیم‌باشی طولوزان و جمعی حاضر شدند. گفت‌وگویی شد و صورتی نوشته شد که در حکومت در این باب اقدامات بشود که اولاً عطار و تجار و غیره به این مصرف، تریاک به هیچ‌وجه نفروشد، ثانیاً هر کس شریک این کار بشود، او را گرفته، تنبیه و تهدید و حبس نمایند. خلاصه بعضی فصول و شرایط در این باب نوشته شد و به دستخط مبارک رسید و رجوع به نواب والا رکن‌الدوله (حاکم خراسان) شد، «بااین‌حال، فرمان مذکور عملاً نتوانست تغییر عمده‌ای در الگوی مصرف مواد مخدر بدهد. ناصرالدین‌شاه فروش تریاک را برای استعمال ممنوع کرد، اما اصل تجارت تریاک برقرار بود. در این دوره، کمپانی یهودی انگلیسی «ساسون» خریدار عمده تریاک ایران به شمار می‌آمد و با استفاده از شبکه بازرگانی که سرکرده آن‌ها دایلی سید علی محمد باب (مدعی مهدویت و بعدها نبوت) بود، تریاک تولید شده در ایران را خریداری و به چین صادر می‌کرد. طبق گزارش کنسولگری‌های انگلیس در مشهد، تبریز و چند شهر دیگر که مجموعه آن‌ها در «کتاب‌آبی» جمع‌آوری و ترجمه شده است، تریاک در دوره ناصرالدین‌شاه حدود ۲۰ درصد از تجارت خارجی ایران را شامل می‌شد و شاه نمی‌توانست از چنین تجارت پرسودی دست بشوید، به همین دلیل، فرمان ۱۶ شوال ۱۳۰۰ قمری روی کاغذ باقی ماند و بعد از بازگشت شاه قاجار به تهران، تغییری در اوضاع پدید نیامد؛ ضمن اینکه بخش نسبتاً مهمی از کشتزارهای حاصل‌خیز اطراف مشهد، به ویژه در منطقه شمالی و شرقی، به کشت خشخاش و تولید تریاک اختصاص پیدا کرده بود. بعدها، در سال ۱۲۸۶ خورشیدی و در پی پیروزی نهضت مشروطه و تشکیل انجمن معدلت رضوی، نخستین پویش مردمی علیه استعمال و توزیع مواد مخدر، توسط بانوان مشهدی سازمان‌دهی شد و با فشار و اصرار آن‌ها قافونی به تصویب رسید که فعالیت شیره‌کش‌خانه‌ها را در محدوده شهر مشهد غدن می‌کرد. با وجود این، قانون مذکور نیز فقط اسباب جمع‌آوری مکان‌های عمومی مصرف مواد مخدر را فراهم می‌کرد و استعمال افیون در جامعه همچنان ادامه داشت و برقرار بود.

کاشی‌آبی

خانه سبزواری‌ها

گشت‌و گذاری کوتاه در یک خانه پر نقش و نگار



فردخا| خانه پر نقش و نگار سبزواری‌ها بیشتر از صد سال پیش در انتهای کوچه کم‌عرسی به همین نام در بالاخیابان و ته‌یل محله واقع شده بود، کوچه‌ای که بعدها شیرازی ۱۱ نام گرفت، خانه‌ای که در مجاورت پاساژ ۲۲ پهنان از یک سو و حسینیه آیتا...! شیرازی از سوی دیگر، جلوه‌گر معماری منحصربه‌فرد بناهای اواخر دوران قاجار بود.

کاشی‌کاری‌های مثلی شکل، گل‌های پنج‌وهفت‌رچی با آجرهای لعاب‌دار به رنگ‌های زرد، آبی فیروزه‌ای و قهوه‌ای پررنگ، کاشی‌های معرق گرداگرد سرستون‌ها و وسایل روشنایی که در میان درها و پنجره‌های رو به حیاط در محوطه‌ای شیشه‌ای قرار دارند بخشی از زیبایی‌های خانه سبزواری است.

خانه در زمینی مستطیل شکل و در طبقه بنا شده است. با ورود از در کوچک خانه ابتدا وارد حیاط یا به اصطلاح بیرونی می‌شوید. در دو طرف این حیاط کوچک، پنجره‌های سه اتاق نشیمن تعبیه شده است. آنچه در این پخش خانه شایان توجه است، دو قاب کاشی معرق با پایه‌های شریف «بسم...! الرحمن الرحیم» و «نصر من...! و فتح قریب» است که در اولین نگاه، نظر تازه‌واردان را به خود جلب می‌کند. از گوشه سمت راست حیاط، راهی به طرف حیاط اندرونی است.

ساختمان اصلی در حیاط اندرونی واقع شده است. یک ایوان با چهار ستون گرد، اتاق بزرگ پذیرایی و سه اتاق خواب مهمان در ساختمان اصلی و یک حوض سنگی و چهار باغچه اطراف آن در حیاط وجود دارند.

در این مطلب از کتاب «بازشناخت هویت شهر مشهد»، نوشته محمد هادی درودی و مرتضی حیدری‌پور، بهره گرفته‌ایم.



شماره ۵۳
۳۰ بهمن ۱۳۹۹
۲۰ بهمن ۱۳۹۹

۱۵



تاریخ و هویت